

## ملاحظات هویتی در مناطق آزاد تجاری

رحمن قهرمانپور\*

### دیباچه

هر پدیده و اتفاق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از جمله ایجاد یک منطقه آزاد تجاری و قایل شدن امتیازاتی برای آن در مقایسه با دیگر مناطق، آثار و پیامدهای هویتی ویژه‌ای را به همراه دارد. اهمیت مسایل فرهنگی - هویتی در جمهوری اسلامی ایران از آنجایی ناشی می‌شود که نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر یک دسته ارزشهای دینی و فرهنگی بوده و تهدید این ارزشها را تهدیدی برای امنیت خود تلقی می‌کند. بسیاری از اقداماتی که در مناطق آزاد سایر کشورها آزاد است، در ایران مغایر با ارزشها محسوب می‌شود. نتیجه آنکه تفریح و صنعت تفریح و حوزه‌های مرتبط با آنها مانند جذب توریست غیر تجاری در یک چارچوب فرهنگی خاص تعریف می‌شود. دلیل این امر آن است که در جمهوری اسلامی ایران هویت ملی اغلب در یک چارچوب دینی تعریف می‌شود. افزون بر این نکته که در سطح قدرت سیاسی قابل تحلیل است، در بعد اجتماعی نیز ایجاد مناطق آزاد تجاری و گسیل شدن جمعیتی برای پیدا کردن شغل، تحصیل،

\* رحمن قهرمانپور، پژوهشگر ارشد مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه است.  
(rahbon@yahoo.com)

تفریح و تجارت در آن منطقه پیامدهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به همراه دارد و یکی از این پیامدها مربوط به بحث هویت است.

افراد بومی هر منطقه به ورود افراد جدید غیربومی حساس بوده و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. در نقطه مقابل افرادی که از شهرهای بزرگ و به ویژه پایتخت در کشورهای در حال پیشرفت به شهرهای کوچک می‌روند، اغلب با دیده تحقیر به ساکنان بومی می‌نگرند. برخی از اینها خود را در لباس منجیانی می‌بینند که برای نجات مردمی فقیر و بدبخت مسیر طولانی را پیموده و زندگی سختی را بر خود تحمیل کرده‌اند. عده‌ای دیگر نگاه سودآوری به مردمان بومی دارند و تنها به فکر کسب درآمد از طریق به کارگیری نیروی کار ارزان و مطیع می‌باشند. این برخورد هویتی میان ساکنان بومی و شاغلان غیربومی، نوعی تقابل هویتی و فرهنگی در سطح خرد است که می‌تواند نتایج منفی یا مثبت بر برنامه‌ریزی جهت گسترش مناطق آزاد داشته باشد. اگر این تقابل هویتی شکل منفی و آزار دهنده به خود بگیرد، شاغلان غیربومی تمایل کمتری برای حضور و سکونت در منطقه آزاد احساس می‌کنند. همین‌طور ساکنان بومی با تردید و بدبینی به شاغلان یا دانشجویان مقیم مناطق آزاد می‌نگرند. مشکل از آنجایی حادث می‌شود که در جوامع در حال پیشرفت و سنتی مانند ایران، تعریف و شکل‌گیری هویت بیشتر بر پایه شباهت، خودی بودن و نظیر اینهاست و هنوز تعریف هویت بر پایه وجود تمایز چندان جان‌نیفتاده است. در این حالت دیگران و هویت «دگر» چیزی است که باید طرد شود و یا در صورت ناگزیر بودن با احتیاط با آن برخورد شود، زیرا اعتمادی به او نیست.

برای حل مشکلات ناشی از این تقابل به دو شیوه می‌توان برخورد کرد: بهره‌گیری از قدرت سیاسی و تدوین سیاستهای اجتماعی - فرهنگی مناسب. اگر نخستین شیوه را یک اقدام از بالا به پایین در نظر بگیریم دومی اقدامی از پایین به بالاست. پژوهشهای گوناگون نشان می‌دهد روندهای سیاستگذاری مناسب می‌توانند شکافهای زبانی، قومی و فرهنگی را کاهش دهند.<sup>۱</sup> اهمیت این سیاستگذاری از آنجایی ناشی می‌شود که مسایل

هویتی می‌توانند حتی فعالیتهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهند.<sup>۲</sup> اگر کارگر بومی احساس کند کارفرمای غیربومی او تنها برای کسب درآمد و بهره‌کشی از ساکنان بومی به منطقه آزاد آمده است، تعهد و تلاش کافی برای انجام بهتر کار نخواهد داشت. به همین سان نگرشهای جنسیتی نیز می‌توانند بر روند بهره‌وری تأثیر گذار باشند. در بسیاری از مناطق آزاد دنیا زنان جوان مجرد بیکار بهترین گزینه کارفرمایان برای استخدام قراردادی و موقت هستند، زیرا این زنان به یک تعبیر آسیب‌پذیرترین کارگران هستند. کارفرمایان تعهدی در مقابل استخدام دائمی آنها ندارند، این زنان مجرد بوده و وقت بیشتری صرف کار می‌کنند و به دلیل بیکاری دنبال بیمه و مزایا نیستند. اما در ایران به کارگیری این روشها با محدودیتهای قانونی و اجتماعی روبه‌روست. یعنی هم قدرت سیاسی و هم مناسبات اجتماعی مانعی عمده در این راه به شمار می‌رود. در نوشتار پیش روی ابتدا تأثیرات مناطق آزاد تجاری بر هویت ملی در حالت کلی و هویت فردی، نوعی و نقش در حالت خاص را بررسی و مطالعه می‌کنیم و سپس راهکارهایی را برای کاهش پیامدهای منفی هویتی ناشی از تقابل هویتی و فرهنگی در مناطق آزاد تجاری ارائه می‌دهیم. افزون بر این جنبه‌های مختلف این تقابل هویتی - فرهنگی احتمالی را در ضمن بحث در مورد پیامدهای هویتی مناطق آزاد تجاری مورد توجه قرار می‌دهیم.

## هویت

هویت را می‌توان در حوزه‌های مختلف و نیز سطوح متفاوت مطالعه کرد. یعنی هم انواع هویت را داریم و هم سطوح هویت را. در انواع هویت می‌توان به هویت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی اشاره کرد و در سطوح هویتها هویت فردی، اجتماعی، گروهی (محلی) یا ملی را می‌توان مورد مطالعه قرار داد. اغلب این هویت با یکدیگر همزیستی دارند، هر چند در مواردی میان آنها تعارض نیز ایجاد می‌شود. به طور مشخص می‌توان گفت هویتها در هنگام بروز تفاوت بیشتر خود را نشان می‌دهند. افراد یک جامعه

بیشتر زمانی پی به شباهتهای خود می‌برند که با افراد متفاوتی برخورد می‌کنند. همین طور افراد یک شهر یا اجتماع زمانی که با ورود گسترده توریست، مهاجر، نیروی کار خارجی مواجه می‌شوند، به تفاوت‌های هویتی خود با آنها پی می‌برند و به صورت طبیعی درصدد دفاع از هویت خود و عناصر و نموده‌های آن برمی‌آیند. هر چند ممکن است این دفاع جنبه روانشناختی و ذهنی داشته باشد. از همین رو نبود منازعات هویتی را نباید دلیل بر این دانست که مردم بومی، هویت جدید را پذیرفته‌اند، چه بسا قدرت سیاسی با ایجاد ترس مانع از بروز منازعات هویتی می‌شود.

هر چه تفاوت‌های میان افراد تازه وارد و بومی بیشتر باشد، احتمال تنش‌های هویتی افزایش می‌یابد. مثلاً اگر افراد تازه وارد از یک نژاد، دین، زبان و ملیت متفاوت باشند، پذیرش آنها توسط افراد بومی به مراتب سخت‌تر است. برعکس هر چه تفاوت‌ها کمتر باشد، احتمال پذیرش بیشتر است. مثلاً احتمال پذیرش یک کارگر افغانی بیشتر از احتمال پذیرش یک کارگر چینی (دارای دین و زبان و نژاد متفاوت) است. اما در همان حال احتمال پذیرش یک کارگر ایرانی در یک منطقه آزاد تجاری به مراتب بیشتر از احتمال پذیرش فرهنگی کارگر افغانی می‌باشد. هر چند ممکن است کارفرما کارگر افغانی را به دلیل ارزان بودن ترجیح دهد، اما در سطح اجتماعی، مردم از نظر فرهنگی، اجتماعی تمایل بیشتری به پذیرش کارگر ایرانی دارند. در سطحی دیگر احتمال پذیرش کارگران بومی بیشتر از احتمال پذیرش سایر کارگران است. مثلاً اگر فردی از سیستان و بلوچستان بخواهد در منطقه آزاد انزلی مشغول به کار شود، به لحاظ هویتی مشکلات بیشتری خواهد داشت تا یک کارگر از آذربایجان و یا مازندران.

آنچه در مناطق آزاد از نظر هویتی اهمیت دارد، تقویت هویت نقشی می‌باشد. منظور از هویت نقشی، هویتی است که افراد به واسطه شغل و موقعیت اجتماعی آن را کسب می‌کنند. برای یک فرد بیکار که به دلیل بیکار بودن تحت فشارهای مختلف خانوادگی و اجتماعی می‌باشد، هویت نقشی یعنی پیدا کردن کار و مستقل شدن به

مراتب مهم‌تر از هویت نوعی (قومی یا زبانی) می‌باشد. هویت نقش یا شغلی یا اقتصادی یکی از مهم‌ترین عناصر هویت ملی در جهان مدرن است، اما در جوامع و کشورهای در حال پیشرفت به دلیل عدم پیشرفت اقتصادی، اغلب هویت‌های فرهنگی و زبانی هستند که نقش اصلی را در شکل‌گیری هویت ملی ایفا می‌کنند. به همین دلیل است که در اغلب جوامع در حال پیشرفت حساسیت مردم نسبت به ابعاد فرهنگی هویت یا هویت‌های غیراقتصادی به مراتب بیشتر از حساسیت آنها نسبت به هویت‌های اقتصادی می‌باشد. هویت ملی در ورای هویت‌های فردی و گروهی قرار می‌گیرد و یکی از کارکردهای مناطق آزاد، تقویت هویت ملی از طریق تقویت بعد اقتصادی آن می‌باشد، از همین‌رو جریانهای هویتی یا سیاست‌های هویتی در مناطق آزاد نمی‌تواند در نقطه مقابل سیاست‌های هویتی در سطح ملی قرار گیرد. تعامل مناطق آزاد با سایر کشورهای جهان این امکان را به وجود می‌آورد که بتوان از این تعاملات برای تقویت هویت ملی و نیز کاهش تضادهای هویتی محلی استفاده کرد. به این معنا که با تقویت پیامدهای مثبت مناطق آزاد بر هویت ملی (که بدانها اشاره خواهیم کرد) می‌توان تا حدی از احتمال بروز اختلافات هویتی در سطح بومی کاست.

### مناطق آزاد تجاری و هویت ملی

چارچوب نظری بحث در شکل شماره ۱ نشان داده شده است. فرض بر این است که ایجاد و گسترش مناطق آزاد تجاری، از طریق شش متغیر واسطه، هویت و انسجام ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. البته طبیعی است که می‌توان متغیرهای دیگری را هم مهم فرض کرد و تأثیرگذاری را از طریق آنها نیز سنجید.

## ۱. سرمایه‌گذاری

یکی از اهداف اصلی و اولیه از ایجاد مناطق آزاد، جذب سرمایه‌هایی است که برای ورود به سرزمین اصلی یا مناطق غیرآزاد با مشکل روبه‌رو هستند.<sup>۳</sup> این سرمایه‌ها هم می‌تواند از خارج کشور و توسط خارجی‌ها وارد شود و هم ایرانی‌های مقیم ایران و یا خارج از کشور آنها را وارد کنند. به صورت طبیعی سرمایه‌گذاری خارجی هم تبعات منفی و هم تبعات مثبت برای هویت ملی دارد. اگر بپذیریم که بخشی از مشکل اصلی ما در حال حاضر نبود شغل برای جوانان است و نداشتن شغل می‌تواند تعلق به هویت ملی و سرزمین را کاهش دهد، می‌توانیم ادعا کنیم به سرمایه‌گذاری خارجی نیاز داریم. از طرف دیگر سرمایه‌های خارجی برای ورود به ایران به دلایل مختلف با مشکلات بسیاری روبه‌رو هستند و از نظر داخلی نیز امکان سرمایه‌گذاری کلان جهت ایجاد شغل به میزان زیاد وجود ندارد. بنابراین، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طریق مناطق آزاد تجاری و تلاش برای ایجاد شغل و کار برای جوانان به منظور افزایش تعلق آنها به سرزمین و هویت ملی و کاهش زمینه‌های مهاجرت متخصصان به خارج جهت یافتن شغل یکی از پیامدهای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است.

در بعد دیگر سرمایه‌گذاری ایرانی‌ها در مناطق آزاد می‌تواند حس هویت ملی آنها را تقویت کند. وقتی اقوام مختلف با مذاهب مختلف بتوانند در شرایط برابر در مناطق آزاد سرمایه‌گذاری کرده و تا حد امکان سرمایه‌های خود را به خارج انتقال ندهند، خود به خود زمینه برای افزایش تعلق آنها به سرزمین و هویت افزایش پیدا می‌کند. طبیعی است که برای کار آفرینان و سرمایه‌داران داخلی، هویت بیشتر به واسطه نقش (یعنی به گردش در آوردن پول و ایجاد کار) تعریف می‌شود و اگر شرایط لازم برای ایفای این نقش وجود نداشته باشد، آنها ناگزیر از انتقال این نقش به کشورهای دیگر و سرمایه‌گذاری در آنها خواهند بود. نتیجه این امر کاهش زمینه‌های اشتغال و تضعیف لایه نقشی هویت ملی در ایران در بلند مدت است. بالاخره در بعد سوم ایرانی‌های مقیم خارج از

کشور را داریم که طی سالهای گذشته جذب سرمایه آنها همواره مورد توجه بوده است. با گسترش شبکه‌های ارتباطی جهانی و اینترنت و در حالت کلی فضای سببرنتیکی، شاهد ظهور شبکه‌ها و فضاهای اجتماعی فراملی<sup>\*</sup> هستیم. منظور از این عبارت فضای جدید ارتباطی است که به واسطه جهانی شدن ارتباطات تحقق یافته و مهاجران یک کشور می‌توانند به کمک آن در ارتباط مستمر با جامعه اصلی خود باشند؛ بی‌آنکه نیازی به حضور فیزیکی داشته باشند. ایجاد شبکه‌های ماهواره‌ای و سایتهای اینترنتی از علایم این فضای جدید است که مثلاً ایرانی‌های مقیم آمریکا و اروپا را به صورت مجازی به ایران متصل می‌کند. برای درک اهمیت این فضا کافی است که میزان اطلاعات ایرانی‌های مقیم خارج از تحولات داخلی را طی چند سال گذشته مقایسه کنیم و شاهد افزایش ثابت میزان آگاهی از تحولات داخلی ایران در بین هموطنان مقیم خارج از کشور باشیم. امروزه کشورهای مختلف از این فضاها حداکثر بهره‌برداری را می‌کنند. سیک‌های مقیم آمریکا به عنوان لابی هند در آمریکا عمل می‌کنند. ترک‌های مقیم آلمان سرمایه‌های خود را در سرمایه‌گذاریهای داخلی ترکیه وارد می‌کنند. مکزیکی‌های مقیم آمریکا تا حد امکان مانع از اتخاذ تصمیمهای منفی از سوی دولت آمریکا علیه مکزیک می‌شوند. اگر در کنار این ارتباط غیرفیزیکی، زمینه حضور فیزیکی ایرانی‌های مقیم خارج در مناطق آزاد تجاری هم به وجود آید، حلقه ارتباط آنها با ایران و هویت ملی ایرانی تقویت خواهد شد. از سوی دیگر نمی‌توان منکر این واقعیت شد اکثریت ایرانی‌های مقیم خارج دارای تحصیلات عالی بوده و جزو گروههایی هستند که امکان تبدیل شدن آنها به گروههای مرجع اجتماعی وجود دارد. بر همین اساس نقش آنها در تقویت هویت ملی چه از راه سرمایه‌گذاری و کارآفرینی و چه از راه تولیدات فرهنگی و فکری بسیار مهم است. در این راستا می‌توان ایرانی‌های مقیم خارج را تشویق کرد که در ایران و در زادگاه خود یا مناطق نزدیک به آن سرمایه‌گذاری کنند که خود می‌تواند در افزایش علاقه آنها به ایران و تقویت

\* Transnational Social Space

هویت ملی در میان ایرانیان مقیم خارج مؤثر واقع شود. به عنوان یک نمونه کوچک کافی است توجه کنیم که طی چند سال گذشته همواره نقش ایرانی‌ها در مأموریت‌های فضایی ناسا مورد توجه بوده و بر غرور و افتخار ملی ایرانیان افزوده است. اگر چهره‌های شاخص بتوانند در هر زمینه‌ای در مناطق آزاد مختلف، چه در شمال و جنوب و چه در مناطق دیگر سرمایه‌گذاری کرده و سالی یک یا دوبار به ایران مسافرت کنند، زمینه غرور و وحدت ملی هر چه بیشتر تقویت خواهد شد. نکته جالب توجه دیگر این است که عموماً در میان این ایرانیان نخبه، حضور اقلیت‌های قومی، مذهبی و زبانی را شاهد هستیم و لذا حضور آنها در ایران از طریق مناطق آزاد می‌تواند باعث تضعیف گرایش جوانان تحصیل کرده به گروه‌های قومیت‌گرا شود. موضوعی که بخصوص در شهرهای مرزی نمود بارزتری دارد.

## ۲. تسهیل ورود به اقتصاد جهانی

یکی دیگر از اهداف تعریف شده برای مناطق آزاد حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای و در واقع تسهیل ورود ایران به اقتصاد جهانی می‌باشد. مطالعه ادبیات مربوط به جهانی شدن و نیز توسعه در عصر جهانی شدن نشان می‌دهد که در دنیای جهانی شدن، توسعه و در نتیجه تقویت لایه نقشی هویت ملی که در جوامع مدرن نقش برتر را ایفا می‌کند، جز از راه ورود به اقتصاد جهانی میسر نیست. جوامع و اقتصادهایی که وارد این جریان نشوند، اندک اندک منزوی شده و حتی قادر به تأمین نیازهای اولیه شهروندان خود نخواهند بود. مطالعات مختلف نشان می‌دهد که بر اثر ورود کشورها به اقتصاد جهانی، نه تنها هویت ملی آنها در هویت‌های فراملی ادغام نمی‌شود، بلکه گاهی زمینه تقویت هویت ملی هم فراهم می‌شود.<sup>۴</sup> در شرایط کنونی که ایران برای ورود به سازمان دادوستد جهانی WTO و نیز اقتصاد جهانی شده با موانع عمده مواجه است، مناطق آزاد تجاری می‌توانند نقش مهمی در ورود تدریجی ایران به اقتصاد جهانی داشته و مانع از آن شوند ورود یکباره در فرآیندهای اقتصاد جهانی، تأثیرات منفی بر جامعه و سیاست و لذا

هویت ملی داشته باشد. اگر ایران نتواند آثار ناشی از پیوستن به اقتصاد جهانی را از طریق مناطق آزاد تجاری تجربه کند، ورود در اقتصاد جهانی شده در آینده آثار عمده فرهنگی و اجتماعی خواهد داشت و با توجه به ماهیت ایدئولوژی نظام سیاسی، کنار آمدن با این آثار بسیار مشکل خواهد بود و چه بسا موجب واکنشهای تند، چه افراطی و چه تفریطی، شده و با قطبی شدن سیاسی و اجتماعی، موجب تضعیف انسجام و وحدت ملی شود.

اگر بپذیریم لاجرم باید درها را به روی جهان باز کنیم و خود را منزوی نکنیم و تعامل سازنده با جهان برای بقای خود را آغاز کنیم، که چشم‌انداز سند ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران نیز بر آن تأکید می‌کند، این باز کردن درها باید تدریجی و به‌گونه‌ای باشد که ساختارهای شکل گرفته طی دو دهه گذشته را یکباره از بین نبرد. با توجه به شرایط موجود بهترین راه همانا استفاده از مناطق آزاد تجاری به عنوان الگویی از یک ایران کوچک وارد شده در اقتصاد و تعاملات جهانی است. در حالی که مدام از جذب سرمایه ایرانی‌های مقیم خارج صحبت می‌کنیم، ورود نزدیک به یکصد میلیون دلار سرمایه به راحتی می‌تواند قیمت مسکن را در مناطقی مثل شمال ایران یکباره چند برابر کرده و تبعات منفی فرهنگی و اجتماعی به همراه داشته باشد. فروختن زمینهای کشاورزی به چند برابر قیمت واقعی و تحرک طبقاتی ناشی از آن می‌تواند آثار مخربی بر خانواده، روابط خانوادگی و حتی شخصیت فردی برجای بگذارد. فردی که تا دیروز سر مزرعه کار می‌کرد، بر اثر یک اتفاق، موقعیت طبقاتی خود را یک شبه عوض می‌کند، در حالی که هیچ‌گونه آمادگی و آگاهی لازم برای پذیرش موقعیت طبقاتی جدید را ندارد. در چنین شرایطی میل به هنجار شکنی، محتمل‌ترین واکنش است و لذا احتمال بروز ناهنجاریهای اجتماعی و فرهنگی و حتی جرایم اخلاقی توسط این گروهها افزایش خواهد یافت.

وضعیت کلی جامعه ایران هم بی‌شبهت به چنین فردی نیست. جامعه‌ای که طی دو دهه تعاملات اقتصادی کمتری با جهان داشته است، در صورت افزایش این تعاملات با انواع مشکلات و معضلات پیش‌بینی نشده روبه‌رو خواهد شد. مناطق آزاد می‌توانند آزمایشگاه

تجربی بسیار مفیدی برای مدیریت تعارضات ناشی از پیوستن به اقتصاد جهانی باشند.

### ۳. توریسم

تردیدی نیست بسیاری از شهرهای ایران و به ویژه شهرها و بنادر شمال کشور از ظرفیتهای بسیار خوبی برای جذب توریست برخوردارند و در این راستا مناطق آزاد تجاری می‌توانند نقش قابل توجهی ایفا کنند. شاید در نگاه نخست تصور شود که توریسم مناطق آزاد تجاری بیشتر توریسم اقتصادی است و نباید ابعاد فرهنگی آن را چندان جدی گرفت. اما فراموش نکنیم که در عرصه عمل نمی‌توان مرزی میان آثار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ترسیم کرد. نظم و مقررات، امنیت و زیبایی در مناطق آزاد تجاری، در واقع بیانگر نظم و مقررات در مناطق غیرآزاد نیز می‌باشد. مسافران خارجی که وارد مناطق آزاد تجاری می‌شوند، به صورت طبیعی آنجا را تصویر کوچکی از ایران می‌دانند و لذا عوامل مثبت و منفی آن را هم نشانه‌ای از عوامل مزبور در ایران می‌دانند. اگر سیاستهای توریستی، در مناطق آزاد موفق نباشد چگونه می‌توان انتظار داشت که در مناطق غیر آزاد و سرزمین اصلی موفق باشد که در آن محدودیتها به مراتب بیشتر است. طبیعتاً اگر شرایط و امکانات جذب توریست در مناطق آزاد به گونه‌ای باشد که باعث سربلندی و افتخار ایرانیان شود، هویت ملی و مخصوصاً لایه نوعی آن تقویت خواهد شد. بسیاری از فعالان قوم‌گرا ناکارآمدی نظام مدیریتی را بهانه‌ای برای اقدامات واگرایانه خود قرار داده‌اند، حال اگر مناطق آزاد جلوه‌ای از کارآمدی و نظم باشد، تأثیر بسیار مثبتی بر مسافران و توریست‌ها و ذهنیت آنها نسبت به ایرانی بودن و هویت ایرانی خواهد گذاشت.

در بعد داخلی هم، ظهور مناطق آزاد این فرصت را فراهم کرده است تا بسیاری از ایرانیانی که توان مالی مسافرت به خارج را ندارند، به مناطق آزاد مسافرت کنند که اغلب با شهرهای آنها فاصله قابل توجهی دارد. حضور در مناطق آزاد، حس تعلق به یک سرزمین مشترک و عظمت ایران را افزایش می‌دهد و این نیز به نوبه خود هویت ملی را تقویت

می‌کند. ایران از قدیم‌الایام کشور بزرگی از نظر مساحت و وسعت بوده و نبود رفت و آمد میان مناطق مختلف، در مقاطعی از تاریخ، این احساس را در برخی‌ها به وجود آورده است که به فرهنگ و تاریخ مجزایی تعلق دارند. امروزه این ارتباطات بیشتر شده است، ولی در کنار تسهیلات موجود باید انگیزه‌های هم برای مسافرت از کردستان به بندرانزلی یا از آذربایجان به چابهار وجود داشته باشد و توریسم اقتصادی می‌تواند یکی از این انگیزه‌های مؤثر باشد. از منظری دیگر حضور در محلی که در آن غیر ایرانی زیاد است باعث می‌شود «دگر» هویتی نه داخلی، قومی و مذهبی، بلکه در ارتباط با غیرایرانی تعریف شود. نبود ارتباطات گسترده با جهان خارج و رفت و آمد توریست‌های خارجی باعث شده است که طی سالهای گذشته بسیاری از افراد و گروهها دگر هویتی خود را داخلی تعریف کنند. در این زمینه می‌توان با نظرسنجی از افرادی که به مناطق آزاد تجاری مسافرت می‌کنند و نیز آنهایی که این تجربه را ندارند، صحت یا سقم این ادعا را ثابت کرد. در مناطق آزادی مانند انزلی که خود در یک منطقه توریستی واقع شده‌اند، جذب توریست اقتصادی و فرهنگی با مشکلات زیادی همراه نخواهد بود.

#### ۴.۴. تحرک طبقاتی

تحرک طبقاتی قاعده‌مند و تدریجی، یکی از نشانه‌های وجود نظم در یک جامعه است. جامعه مدرن را معمولاً جامعه‌ای طبقاتی توصیف می‌کنند که الزاماً به معنی وجود تضادهای طبقاتی شدید نیست. جنبشهای ناسیونالیستی عموماً برخاسته از اراده طبقات متوسط هستند، در حالی که جنبشهای انترناسیونالیستی اغلب توسط کارگران حمایت می‌شود که اغلب جزو طبقات پایین هستند. می‌توان نشان داد: ۱. حس تعلق به هویت ملی در میان طبقات متوسط بیشتر از طبقات دیگر است و ۲. هر چه سرعت تحرک طبقاتی در یک جامعه و تغییر طبقه بیشتر باشد، تعلق به هویت ملی کمتر است. افرادی که جایگاه طبقاتی‌شان با یک حادثه تغییر می‌کند (چه منفی و چه مثبت) عموماً

دچار یک خوش‌بینی یا بدبینی افراطی می‌شوند.

در مناطق آزاد تجاری هم با تحرک منفی و هم با تحرک مثبت طبقاتی مواجهیم. افرادی از طریق تجارت قانونی و یا غیرقانونی کالا به ثروتهای کلان دست پیدا می‌کنند و برخی از افراد بومی با فروش زمینهای خود به قیمت‌های کلان یکباره سرمایه‌دار می‌شوند. واکنشهای گروههای مزبور متفاوت است. تحرک طبقاتی برای افراد بومی می‌تواند مشوق مهاجرت به خارج از کشور و به سرزمین اصلی و کلان شهرها باشد که تا حد زیادی و به ویژه در حالت دوم می‌تواند تقویت‌کننده هویت ملی از طریق تقویت هویت نقشی (موقعیت جدید اجتماعی) و حتی هویت نوعی (تعامل با گروههای مذهبی و قومی متفاوت) باشد. اما در مورد افراد غیربومی، تحرک طبقاتی مثبت، به ویژه از طبقه پایین به طبقه بالا، نمی‌تواند الزاماً تقویت‌کننده هویت ملی باشد؛ زیرا فردی که یکباره دچار این تحرک شده، فاقد آگاهیهای لازم در مورد هویت و انسجام ملی است. از طرفی دیگر چنین فردی نمی‌تواند به راحتی جایگاه جدید اجتماعی خود را به دیگران بقبولاند و یا خود با آن کنار بیاید.

جنبه دیگر تحرک طبقاتی منفی، تضعیف هویت ملی چه در میان بومی‌ها و چه در میان غیربومی‌هاست. اگر برخی افراد بومی به واسطه گسترش زیرساختهای لازم در مناطق آزاد، به ویژه زیرساختهای دولتی و نیز رفت و آمد غیربومی‌ها، دچار تحرک طبقاتی منفی شده و به دلایل مختلف قادر به تطبیق دادن خود با شرایط جدید نباشند، زمینه حاشیه‌نشینی اجتماعی و مخصوصاً فرهنگی در آنها تقویت شده و موجب تضعیف تعلق آنها به ایران و هویت ملی خواهد شد. در چنین حالتی اغلب این افراد بومی مهاجرت یا ورود غیربومی‌ها را اصلی‌ترین عامل بدتر شدن اوضاع اجتماعی و اقتصادی می‌دانند و لذا تقابل هویتی به نوعی تنش میان ساکنان بومی و غیربومی تبدیل می‌شود. بی‌اعتمادی به کارآفرینان غیربومی، عدم همکاری نکردن مردم با آنها از دیگر پیامدهای این تنش است. به طور مشخص، در این حالت زمینه‌گرایش به انحرافات اجتماعی برای

مقابله با بحرانهای روحی و روانی در سطح فردی تقویت می‌شود. در مناطقی مثل برخی شهرهای کوچک، جوانان با انبوه مسافرانی مواجه‌اند که سوار اتومبیل‌های مدل بالا بوده و فاصله طبقاتی آنها با افراد بومی بسیار زیاد است. این امر تأثیر منفی بر بومی‌ها و به ویژه جوانان دارد که از طریق رسانه‌های جمعی به آگاهی قابل توجهی دست پیدا کرده‌اند. در مناطق آزاد تجاری هم باید نسبت به این موضوع واقف بود و آن را مدیریت کرد. افزون بر این اگر این بومی‌ها به واسطه ورود غیربومی‌ها شغل و موقعیت قبلی اجتماعی خود را از دست بدهند، زمینه نارضایتی آنها از نظام سیاسی و به تبع آن هویت ملی تقویت می‌شود و زمینه برای بهره‌برداری قومیت‌گرایان از این نارضایتیهای اقتصادی و تبدیل آنها به نارضایتی اقتصادی و در نهایت به نارضایتیهای سیاسی و فرهنگی فراهم خواهد شد. همین‌طور این تحول می‌تواند موجب بدبینی نسبت به غیربومی‌ها شده و در نتیجه هویت و انسجام ملی را تضعیف کند. به همین دلیل انتخاب محل جغرافیایی منطقه آزاد اهمیت ویژه‌ای دارد. (البته انتخاب مناطق آزاد در بخشهایی که فقیر بوده و از نظر قومی و مذهبی نیز جزو اقلیت محسوب می‌شوند، می‌تواند به تقویت هویت ملی کمک کند.) در مناطقی که از پیشینه همزیستی اقوام مختلف برخوردارند و سابقه تاریخی قابل توجهی در تجارت دارند، پیامدهای منفی و هویتی ایجاد منطقه آزاد به مراتب کمتر خواهد بود. بنابراین در حالت کلی اگر ایجاد مناطق آزاد منجر به افزایش بی‌قاعده تحرک طبقاتی شود، در نهایت زمینه‌های تضعیف هویت ملی را فراهم خواهد کرد. کاهش تفاوت میان قوانین این مناطق و قوانین حاکم بر سرزمین اصلی و یا آزادسازی محدود در سرزمین اصلی می‌تواند از تبعات منفی مناطق آزاد بر هویت ملی جلوگیری کند. نباید فراموش کرد تحرک طبقاتی در همه جوامع یک اصل است، ولی مهم این است که نباید تحرک طبقاتی قاعده و ثبات طبقاتی یک استثنا باشد. اگر بین تحرک و ثبات طبقاتی نسبت معقولی وجود نداشته باشد، زمینه رشد انحرافات و ناامنی اجتماعی افزایش یافته و انسجام و هویت ملی را در بلندمدت تضعیف می‌کند.

## ۵. ایجاد اشتغال و رفع محرومیت

اشاره کردیم مهم‌ترین تهدیدی که هم‌اکنون متوجه هویت ملی در ایران است بعد نقشی هویت ملی یا به بیان ساده‌تر کار و موقعیت اجتماعی است. عده‌ای شغل ندارند، عده‌ای در شغلی که شایستگی آن را دارند قرار نگرفته‌اند و عده‌ای دیگر بدون داشتن شایستگی لازم وارد برخی شغلها شده‌اند. این وضعیت باعث شده است در ایران عنصر اصلی هویت بخشی، کار و موقعیت اجتماعی (در ورای تقسیم‌بندیهای قومی، زبانی و مذهبی) نباشد. گرایش جوانان به هویت‌های قومی و زبانی تا حد قابل توجهی ریشه در این امر دارد. تأکید بیش از حد بر هویت فرهنگی طی سالهای گذشته نیز اهمیت کار را در هویت ملی کاهش داده است. دلیل روی آوردن به هویت ناشی از کار در جوامع صنعتی و توسعه یافته، اجماع قابل توجه طبقات و گروههای سیاسی در مورد آن است. گفته می‌شود که در عصر جهانی شدن کار معنا و مفهوم خود را در هویت بخشی از دست داده است. ولی این ادعا در مورد جامعه‌ای مثل ایران صادق نیست. ما طی یکصد سال گذشته موفق نشده‌ایم هویت نقشی را تا حد قابل توجهی جایگزین هویت نوعی و فرهنگی بکنیم. آسیب‌پذیری عمده ما در حیطه هویت ملی بیشتر مربوط به هویت نقشی است تا هویت‌های نوعی. ناسیونالیسم در ایران به اندازه‌ای قدرتمند است که بقای ایران و تمامیت ارضی آن را تضمین کند و از همین‌رو به نظر می‌رسد تأکید بر هویت‌های فرهنگی در قالب هویت‌های قومی و زبانی در بلندمدت، نه تنها به نفع تقویت هویت ملی نخواهد بود، بلکه عدم توجه به هویت نقشی، باعث تقویت هویت‌های قومی و زبانی خواهد شد که می‌توانند هویت ملی را به چالش بکشند.

براساس آنچه گفته شد، مناطق آزاد تجاری در صورت گسترش و ایجاد شغل برای اقشار مختلف و مخصوصاً جوانان می‌توانند از یک طرف زمینه گرایش آنها به هویت‌های قومی و زبانی را تضعیف کنند و از سوی دیگر موجب افزایش علاقه‌مندی آنها به سرزمین و هویت ملی ایرانی شوند. موانع محدود برای سرمایه‌گذاری خارجی در این مناطق نیز عاملی

تسهیل کننده در ایجاد شغل در مناطق آزاد تجاری است. تحولات رخ داده در کشورهای پیرامون ایران، جاذبه کشورهای همسایه را برای جوانان ایرانی افزایش داده است. مناطق آزاد تجاری می‌توانند جایگزین مناسبی برای کار در کشورهای همسایه باشند. طبیعی است که در شرایط برابر و یا دارای اختلاف کم، جوان ایرانی ترجیح می‌دهد به جای تحقیر شدن در کشورهای همسایه که از لحاظ تمدنی و تاریخی بسیار جوان‌تر از ایران هستند در سرزمین و کشور خود مشغول شده و شهروند درجه دوم نباشد. در سالهای گذشته این حرکت مثبت هم در مناطق آزاد تجاری و هم در مناطق ویژه اقتصادی آغاز شده است و باید ادامه پیدا کند. یک جوان فارغ‌التحصیل دانشگاهی که در دبی یا ترکیه کارگری یا رانندگی می‌کند، چگونه می‌تواند در برابر دیگری به هویت ملی خود افتخار کند و خود را برخاسته از یک سرزمین با فرهنگ و تمدن دیرین معرفی کند. افزون بر مورد یاد شده، مناطق آزاد تجاری باید در راستای محرومیت‌زدایی از مناطق محروم ولی مستعد نیز عمل کنند. شیوه انتخاب شده در مورد محل جغرافیایی در نواحی نزدیک مرز بسیار جالب توجه است، ولی باید به تمامی نواحی مرزی و دور از مرکز گسترش پیدا کند. نظر به آنچه در عراق و افغانستان در حال وقوع است، ایجاد مناطق تجاری در مرزهای غربی کردنشین و نیز مرزهای شرقی بلوچنشین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند تهدیدات احتمالی متوجه هویت ملی ایران را در سالهای آینده تا حد قابل توجهی کاهش دهد. با توجه به همین واقعیت است که در قانون مناطق آزاد تجاری - صنعتی آمده است که درآمدهای مناطق آزاد ترجیحاً با اولویت نواحی همجوار هزینه شود که می‌تواند زمینه پیشرفت شهرهای نزدیک به منطقه آزاد تجاری را فراهم کند. با توجه به وجود برخی نارضایتی‌ها در مورد تقسیم نکردن عادلانه ثروت بین استانهای مختلف، صرف این درآمدها در استانهایی که مناطق آزاد در آنها واقع شده‌اند می‌تواند این احساس نارضایتی از نبود عدالت اقتصادی را کاهش دهد.

## ۶. شکافهای قومی، زبانی و مذهبی

کاهش شکافهای قومی، زبانی و مذهبی از طریق گسترش مناطق آزاد از اهمیت به سزایی در تقویت هویت ملی و تعلق و وفاداری سرزمینی برخوردار است. ابزارهای سیاسی در تقویت هویت ملی و تعلق و وفاداری سرزمینی برخوردار است. ابزارهای سیاسی، اطلاعاتی، امنیتی و فرهنگی گرچه به نوبه خود مؤثرند، اما کارآمدی آنها در مقطع کنونی، به اندازه کارآمدی ناشی از تقویت لایه هویت نقشی، نمی‌تواند هویت ملی را در ایران تقویت کند. تأکید بر روشهای مستقیم فرهنگی نظیر یکسان سازی زبانی و فرهنگی می‌تواند واکنشهای منفی به همراه داشته و نتیجه عکس بدهد اما تکیه بر شیوه‌های اقتصادی موجب رشد روند همسان‌سازی از پایین خواهد شد و مناطق آزاد می‌توانند در این مورد نقش مؤثری ایفا کنند. با این حال باید در این مورد تحقیقات میدانی انجام داد و میزان و نحوه تأثیرگذاری مناطق آزاد بر گرایش به هویت‌های قومی و زبانی یا برعکس را مورد ارزیابی قرار داد. ادبیات جامعه‌شناسی سیاسی و نیز جامعه‌شناسی ما را به این فرضیه رهنمون می‌کند که رفع محرومیت‌های اقتصادی در مناطقی که دارای شکاف قومی، زبانی و حتی مذهبی بامرکز هستند، موجب کاهش تمایل به واگرایی خواهد شد. بدیهی است که این فرضیه را باید در مورد ایران هم به آزمون گذاشت. هم اکنون، موازی با نظام سیاسی، شبکه‌های قاچاق کالا نیز مناطقی برای خود به وجود آورده‌اند و افراد قابل توجهی را به خدمت گرفته‌اند. ایجاد مناطق آزاد جدید و مدیریت کارآمد آنها می‌تواند این شبکه‌های غیررسمی را تضعیف کرده و تهدیدات ناشی از آنها را نیز کاهش دهد.

در کنار اقدامات فوق، دستگاهها و نهادهای ذریبط باید به شدت مراقب بوده و از تقویت شکافهای مذهبی (شیعه - سنی) زبانی (کردی، عرب، آذری، ترکمن، بلوچ) و قومی (ایرانی - عرب) و از تبدیل شدن مناطق آزاد به مناطقی با کارکردهای فرهنگی مستقیم جلوگیری نمایند. اولویت باید اقتصاد و رفع محرومیت و ایجاد شغل باشد. مدیریت پیامدهای فرهنگی و اجتماعی این امر چندان مشکل نیست. در ایران منابع

هویت ملی به اندازه‌ای قوی هست که بتوان با اندکی مدیریت از آنها بهره‌برداری لازم را کرد. ممکن است ایجاد مناطق آزاد در شهرهایی که چند قومی و زبانی هستند، به تقویت هویت ملی ایران کمک شایانی بکند و از تقویت شکافهای قومی-زبانی تا حد قابل توجهی جلوگیری کند. در این راستا می‌توان از تجارب قبلی در مورد ایجاد بازارهای مرزی بهره گرفت. اگر موضوع را از منظر سیاست خارجی منطقه‌ای مورد توجه قرار دهیم، می‌توانیم بگوییم که ایجاد مناطق آزاد تجاری، سیاست خارجی ایران در قبال کشورهای همسایه را در سطح استانی در کنار سطوح فروملی، منطقه‌ای و فراملی تقویت می‌کند و این نیز به تقویت سیاست خارجی و دستگاه دیپلماتیک منجر شده و احتمال بروز منازعه میان ایران و همسایگانش را کاهش می‌دهد.<sup>۵</sup> نتیجه مستقیم این امر نیز فراهم شدن زمینه‌های امنیتی لازم برای تقویت هویت و انسجام ملی در داخل است. در گذشته و حتی در حال حاضر، برخی همسایگان ایران به دلیل اختلافات موجود میان ایران و آمریکا و ایران - اسرائیل، کوشیده‌اند از این وضعیت برای اعمال فشار بر ایران و گرفتن امتیاز استفاده کنند و در این راستا به مسئله قومیت‌گرایی متوسل شده‌اند. مناطق آزاد با تقویت لایه نقشی هویت، می‌تواند گرایش به هویت قومی را در حد قابل توجهی کاهش دهد.

### اهمیت ویژه منطقه آزاد انزلی

فارغ از ویژگیهای جغرافیایی، شهری و صنعتی آنچه از منظر بحث حاضر در مورد منطقه آزاد انزلی اهمیت دارد پیشینه تاریخی این شهر از یک طرف و ارتباط دیرین آن با کشورهای آسیای مرکزی و به ویژه قفقاز از سوی دیگر می‌باشد. نظر به اهمیت ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک آسیای مرکزی و قفقاز در سیاست بین‌الملل و اقتصاد جهانی، توجه به این منطقه یکی از اولویتهای سیاست خارجی ایران محسوب می‌شود. تحولات چند سال گذشته در قفقاز و به ویژه در گرجستان و آذربایجان نیز اهمیت این

منطقه را برای ایران دو چندان کرده است. از سوی دیگر حضور آمریکا و اسرائیل و ترکیه در قفقاز اهمیت آن را در امنیت ملی جمهوری اسلامی دو چندان کرده است. در کنار روشهای مختلفی که برای تأمین امنیت و منافع ملی وجود دارد، یک روش هم گسترش همکاریهای بازرگانی و اقتصادی با سایر کشورها می‌باشد. حضور همه‌جانبه ایران در قفقاز در راستای تأمین منافع ملی خود نیازمند داشتن دروازه ورودی به این منطقه می‌باشد و منطقه آزاد تجاری انزلی در کنار سایر شهرهای نزدیک به قفقاز می‌تواند این نقش را ایفا کند. دکتر سجاد پور روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را در چهار سطح بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و استانی مورد توجه قرار داده و در مورد سطح استانی به سه موضوع مهم اشاره می‌کند:

۱. گسترش مناسبات انسانی در دو سوی مرز در پی باز شدن مرزهایی که عملاً هفتاد سال بسته مانده بودند.
۲. گسترش دستگاههای اداره کننده روابط خارجی در استانهای مرزی و افتتاح نمایندگیهای وزارت امور خارجه در این استانهاو
۳. گسترش فعالیت بخش خصوصی ایران در استانهای مرزی و مستقر شدن دفاتر این شرکتها در استانهای مزبور. از این منظر و با توجه به پیشینه دیرین بندر انزلی در مراودات سیاسی - بازرگانی با کشورهای قفقاز، این منطقه بالقوه می‌تواند در آینده به یکی از قطبهای همکاری ایران با کشورهای قفقاز در زمینه‌های بازرگانی آموزشی و فرهنگی و توریستی تبدیل شود. کشورهای قفقاز به دلایل مختلف علاقه‌مند گسترش همکاریها با ایران در حوزه‌های فوق هستند و یک دلیل عمده این امر قرابت جغرافیایی و نیز پیوندهای تاریخی با ایران می‌باشد. در چشم‌انداز سالهای پیش‌رو نیز به نظر نمی‌رسد اهمیت قفقاز روبه کاهش باشد، بلکه بر عکس این اهمیت می‌تواند روبه افزایش نیز باشد. به ویژه اگر به جایگاه این منطقه در سیاست‌خارجی روسیه، ایران، ترکیه، آمریکا و اسرائیل توجه کنیم.

نظر به آنچه گفته شد پیشنهاد می‌شود:

- ورود ایرانیان مقیم خارج از کشور به مناطق آزاد تجاری و از جمله منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی تسهیل شود. این امر نیازمند بهره‌گیری از ابزارهای مختلف سیاسی، فرهنگی، روانشناختی و تبلیغاتی می‌باشد و باید به عنوان یک پروژه مدیریتی طولانی‌مدت در دستور کار باشد. این کار نیازمند همکاری با نیروی انتظامی، وزارت امور خارجه، وزارت اطلاعات و سایر نهادهای مرتبط می‌باشد تا ورود و خروج ایرانی‌های مقیم خارج با کمترین موانع و مشکلات همراه باشد. طبیعی است در این راستا شناسایی و جذب گیلانی‌های مقیم خارج از کشور می‌تواند در اولویت قرار داشته باشد.

- تأسیس مراکز آموزشی بین‌المللی در منطقه آزاد برای جذب دانشجویان ایرانی و نیز دانشجویان علاقه‌مند از آسیای مرکزی و قفقاز. طبیعی است این مراکز باید از جاذبه‌های کافی نظیر کیفیت بالای آموزشی، هزینه‌پایین تحصیل، آرایه مدارک بین‌المللی، معتبر بودن و نظیر اینها برخوردار باشند. با توجه به جاذبه‌های طبیعی و گردشگری منطقه شمالی ایران و نیز بندر انزلی، این منطقه مستعد آموزش همراه با تفریح (Edutainment) می‌باشد که امروزه در حال تبدیل شدن به یک الگو در سطح جهانی می‌باشد. این کار نیازمند همکاری با دانشگاه‌های معتبر داخلی و نیز برخی دانشگاه‌های معتبر خارجی جهت ایجاد دوره‌های آموزشی مختلف می‌باشد.

- دادن آگهیهای تبلیغاتی مناطق آزاد تجاری در شبکه‌های معتبر جهانی نظیر CNN یا BBC. بسیاری از کشورهای نظیر مصر، تایلند و مالزی هم از اینگونه اقدامات انجام می‌دهند و یا گسترش حضور اینترنتی منطقه.

- اطلاع‌رسانی کافی در مورد مناطق آزاد و مزایای آنها در داخل کشور و نیز در سطح

بین‌المللی. بسیاری از مردم با امکانات مناطق آزاد تجاری آشنایی کافی ندارند.

- افزایش استفاده از نیروهای بومی مناطق آزاد در اداره این مناطق.
- جلوگیری از زمین‌خواری و دلال بازی زمین در مناطق آزاد تجاری که می‌تواند تبعات منفی برای بومی‌های منطقه داشته باشد.
- برنامه‌ریزی برای ایجاد مجتمعه‌ها، شهرها یا شهرکهای علمی، تفریحی و ورزشی در مناطق آزاد تجاری، نظیر آنچه دبی به دنبال انجام آن است. در این راستا می‌توان از متخصصان ایرانی در داخل و خارج از کشور بهره گرفت.
- جلوگیری از تخریب بافت سنتی مناطق آزاد و یا تخریب زمینهای کشاورزی، جنگل، بیشه و تفرج‌گاه‌های طبیعی که نشانه پیوند مناطق آزاد با حوزه تمدن ایرانی و سرزمین اصلی هستند.
- جلوگیری از مهاجرت دسته‌جمعی اقوام و عشیره‌ها به مناطق آزاد و برهم زدن بافت جمعیتی و فرهنگی آنها.
- تجربه خصوصی‌سازی به مفهوم واقعی آن و نیز تجربه آزاد سازی اقتصادی در برخی مناطق آزاد به منظور آزمون چگونگی ورود ایران به اقتصاد جهانی.
- ارائه تسهیلات مسافرتی به دانشجویان، دانش‌آموزان، خانواده شهدا و جانبازان، جهت مسافرت به مناطق آزاد تجاری به منظور آشنایی آنها با این مناطق.
- کمک به برگزاری اردوهای دانش‌آموزی، دانشجویی، تورنتم‌های ورزشی و مسابقات فرهنگی در مناطق آزاد تجاری.
- استفاده از جامعه‌شناسان و روانشناسان اجتماعی برای بررسی آسیبهای اجتماعی و فرهنگی ویژه مناطق آزاد و تلاش برای کاهش آنها.
- گسترش برنامه‌های فرهنگی برای تقویت هویت ملی، از طریق گسترش برنامه‌هایی چون شاهنامه‌خوانی، ایجاد موزه تمدن ایرانی و مانند آنها. □

شکل شماره ۱: چارچوب نظری بحث



